



مجموعه نکته تست

روابط بین الملل

- بیش از ۴۰۰۰ نکته طلایی و کاربردی
- ویژه آزمون کارشناسی ارشد
- ۱۰۰۰ تست طبقه بندی شده با پاسخ های کاملا تشریحی

گروه مؤلفین اندیشه ارشد

فهرست

صفحه	عنوان
۵۰.....	نکات کلیدی و طلایی اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی
۳۲.....	سوالات طبقه بندی شده اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی
۵۳.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی
۸۳.....	نکات کلیدی و طلایی اندیشه های سیاسی (غرب و اسلام).....
۱۲۸.....	سوالات طبقه بندی شده اندیشه های سیاسی (غرب و اسلام).....
۱۴۸.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده اندیشه های سیاسی (غرب و اسلام).....
۱۷۹.....	نکات کلیدی و طلایی جهان سوم و مسائل آن.....
۲۳۵.....	سوالات طبقه بندی شده جهان سوم و مسائل آن.....
۲۵۵.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده جهان سوم و مسائل آن.....
۲۹۱.....	نکات کلیدی و طلایی حقوق بین الملل عمومی.....
۳۳۴.....	سوالات طبقه بندی شده حقوق بین الملل عمومی.....
۳۵۳.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده حقوق بین الملل عمومی.....
۳۹۷.....	نکات کلیدی و طلایی سازمان های بین المللی.....
۴۵۹.....	سوالات طبقه بندی شده سازمان های بین المللی.....
۴۷۷.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده سازمان های بین المللی.....
۵۰۵.....	نکات کلیدی و طلایی تاریخ روابط بین الملل.....
۵۳۰.....	سوالات طبقه بندی شده تاریخ روابط بین الملل.....
۵۵۰.....	پاسخنامه سوالات طبقه بندی شده تاریخ روابط بین الملل.....

فصل اول

اصول روابط بين الملل و سياست خارجى

- تعریف فرضیه: سلسله نتیجه‌گیری‌هایی که درستی و نادرستی آنها به روشنی معلوم نگردیده و به ثبوت نرسیده باشد.
- مشکلات بررسی علمی روابط بین‌الملل:
 - ۱- ناهمگونی جامعه بین‌المللی
 - ۲- تعدد متغیرها
 - ۳- وجود بازیگران غیر حکومتی
 - ۴- دگرگونی در شرایط و مقتضیات بین‌المللی
 - ۵- کمیت‌ناپذیری عوامل کیفی
 - ۶- در اختیار نداشتن اطلاعات محرمانه
- تفاوت بین سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل: سیاست بین‌الملل به اعمال و رفتارهای متقابل دو یا چند واحد سیاسی اطلاق می‌شود. حال آنکه روابط بین‌الملل مجموعه اقدامات و کنشهای متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملتها را در بر می‌گیرد.
- سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل:
 - ۱- دیدگاه تصمیم‌گیری ← تأکید بر فرد
 - ۲- دیدگاه قدرت ← تأکید بر دولت
 - ۳- حکومت
 - ۴- حاکمیت
- تفاوت منطقه نفوذ و کند و مینیوم: تفاوتشان در نحوه دخالت یا عدم دخالت چند کشور در حوزه یکدیگر در اداره کردن یک کشور است. در منطقه نفوذ هر یک از دولتهای مزبور از دخالت در حوزه نفوذ دیگری اجتناب می‌ورزند در حالیکه در کندومینیوم اداره یک

- سرزمین بطور مشترک توسط چند کشور اداره می‌گردد.
- انواع شناسایی یک دولت:
 - ۱- دوافکتور (محدود موقتی)
 - ۲- دوزور (قطعی و کامل)
- متغیرهای نظام (سیاسی):
 - ۱- نهاده ۲- محیط داخلی و خارجی
 - ۳- داده ۴- بازخورد
- انواع نظام‌های بین‌المللی از نظر مورتون کاپلان:
 - ۱- نظام موازنه قدرت
 - ۲- نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر
 - ۳- نظام دو قطبی انعطاف‌ناپذیر
 - ۴- نظام جهانی
 - ۵- نظام سلسله مراتبی
 - ۶- نظام با حق و تو
- دو نظام از نظام‌های کاپلان یعنی نظام موازنه قدرت (اروپای قرون ۱۸ و ۱۹) و دو قطبی انعطاف‌پذیر (بعد از جنگ جهانی دوم) نمونه تاریخی داشته است.
- از نظر کاپلان اگر دو بلوک بصورت سلسله مراتبی اداره نشوند، امکان دارد بصورت نظام موازنه قدرت تغییر شکل دهند، با این تفاوت که دگرگونی در شکل اتحادها، در پیرامون دو محور ثابت ابرقدرتها خواهد بود.
- ماکس وبر، جامعه شناس آلمانی، ضمن بررسی انواع گوناگون روشهای تصمیم‌گیری، مدیریت دسته جمعی را به عنوان راهی برای

تجزیه و تحلیل سیاست بین الملل براساس رهیافت قدرت

- در فرایند مطالعه سیاست بین الملل در چهارچوب تصمیم گیری تأکید اصلی بر نقش فرد است.
- اهداف دولتها در چارچوب قدرت از نظر مورگنتا:
 - ۱- حفظ وضع موجود
 - ۲- افزایش قدرت (سیاست امپریالیستی)
 - ۳- نمایش قدرت (کسب پرستیژ)
- انگیزه های دولتها برای سیاست حفظ وضع موجود: تقسیمات جغرافیایی، توزیع منابع و قدرت، موازنه قدرت و پیروزی در یک جنگ ← مثل روهانی
- انگیزه دولتها برای سیاست تجدید نظرطلبانه: پیروزی در جنگ، اعمال قرار دادهای تحصیلی، از دست دادن سرزمین یا تغییر سیاست خارجی براساس یک ایدئولوژی نوین ← مثل مجارستان یا شوروی بعد از جنگ جهانی اول
- اتحادها یا ائتلاف های بین المللی محصول تجمع و تلاقی موقت منافع ملی هستند.
- تعریف قدرت از نظر مورگنتا: وی معتقد است که قدرت سیاسی رابطه ای روانی است میان کسانی که قدرت را اعمال می کنند یا قدرت بر آنها اعمال می شود.
- تعریف قدرت از نظر والتز: وی قدرت را برحسب «تأثیرگذاری، تعریف می کند و بر این اساس اگر عاملی بتواند بیش از آن حد

جلوگیری از انحصار طلبی بوروکراتیک پیشنهاد کرده است.

- در ره یافت تصمیم گیری، پاسخ تصمیم گیرندگان نسبت به فشارهای داخلی و خارجی تابع، توانایی ها شناخت و مهارتهای سیستم تصمیم گیری خواهد بود.
- نتایج حاصل از تصمیم ها ممکن است مورد انتظار و مطلوب، غیر منتظره و مطلوب، مورد انتظار و نامطلوب و غیره منتظره و نامطلوب باشد.
- انواع مدلهای تصمیم گیری:
 - ۱- مدل رضایتبخش: تصمیم گیرندگان درصدد اتخاذ بهترین تصمیم ها هستند.
 - ۲- مدل رضایتبخش: در این مدل مبنای تصمیم گیری در سیاست خارجی واقعیتهای موجود است.
 - ۳- مدل فزاینده (روش محافظه کارانه یا حفظ وضع موجود): در موقعیتی توجه سیاستگذاران را به خود جلب می کند که تصمیم گیرندگان از امکانات محدود برخوردار باشند.
 - ۴- مدل بینش فوق العاده: برخورداری برخی از تصمیم گیرندگان و سیاستگذاران از تواناییها، استعدادهای فوق العاده ابتکارات، نوآوری و خلاقیت .
 - ۵- مدل مختلط: فائق آمدن بر نارساییهای موجود در مدلهای عقلایی و فزاینده

- ویژگیهای این دوران ←
 - ۱- جلوگیری از ظهور نهضت‌ها و انقلابهای مردمی و ملی
 - ۲- مطرح شدن دیپلماسی
 - ۳- انقلاب صنعتی و در نتیجه تولید و توسعه سلاحهای مخرب قوی
 - ۴- گسترش هویت ملی‌گرایی
 - ۵- تقویت ارتشهای امپریالیستی
- نظریه رئالسیسم سیاسی بر این اصل استوار است که سیاست بین‌المللی را باید بر مبنای کشمکش بر سر قدرت تجزیه و تحلیل کرد.
- دیدگاه‌های شرق (شوروی) و غرب نسبت به مسئله موازنه قدرت:
 - ۱- غربیها ← موازنه قدرت شورویها ← همبستگی نیروها
 - ۲- شورویها موازنه میان دو سیستم متخاصم را که در برگیرنده بسیاری از دولتها می‌شد: جایگزین موازنه قدرت میان ابرقدرتها کردند.
 - ۳- غرب ← تأکید بر دولت در مقوله موازنه قدرت
 - شرق ← تأکید بر جنبشهای سیاسی علاوه بر نقش دولتها
 - ۴- تأکید بیشتر شوروی‌ها به جنبه‌های دیگر موازنه قدرت مخصوصاً مسائل ایدئولوژیک
 - ۵- غرب ← ضروری بودن موازنه قدرت برای حفظ سیاست وضع موجود
 - شرق ← تأکید بر پویایی سیستم موازنه قدرت
- عناصر تشکیل دهنده قدرت:
 - ۱- ایدئولوژی
 - ۲- عوامل اجتماعی - انسانی
- که تحت تأثیر قرار می‌گیرد دیگران را تحت تأثیر قرار دهد به همان میزان واجد قدرت است.
- پیش‌نیازهای عمده برای سیستم موازنه قدرت:
 - ۱- بازیگران متعدد سیاسی
 - ۲- عدم اقتدار مرکزی مشروع
 - ۳- توزیع نابرابر عناصر تشکیل دهنده قدرت میان بازیگران سیاسی
 - ۴- رقابت مستمر ولی کنترل شده مناقشات میان بازیگران سیاسی
 - ۵- تفاهم میان رهبران قدرتهای بزرگ درباره نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیسم توزیع قدرت
- معیار و ضابطه اصلی تمایز میان سیستم موازنه نیروهای داخلی و نظام موازنه قدرت بین‌المللی وجود استقلال و خود مختاری
- نخستین مرحله عصر طلایی موازنه قدرت: سیستم موازنه قدرت کلاسیک (۱۷۸۹ - ۱۶۴۸)
- ویژگیهای مرحله نخست عصر طلایی موازنه قدرت:
 - ۱- کاهش قدرت پادشاهیهای مطلقه
 - ۲- ظهور حکومتیهایی که در آنها حاکمیت مردم مطرح بود
 - ۳- کاهش اختلافات میان حکام قدرتهای اروپایی
 - ۴- کاهش شدت جنگها میان دولتهای ملی
- دومین عصر طلایی موازنه قدرت کلاسیک ← (۱۸۱۵ - ۱۹۱۴) از کنگره وین تا آغاز جنگ جهانی اول

۳- عوامل سیاسی
 ۴- عوامل جغرافیایی
 ۵- عوامل نظامی
 ۶- عوامل اقتصادی

● عوامل جغرافیایی تأثیرگذار در قدرت:

۱- وسعت

۲- شکل

۳- وضع طبیعی

۴- مرزها

۵- وضعیت اقلیمی

● موقعیت طبیعی کشورهای مطلوب (از لحاظ شکل) ← فرانسه، اسپانیا

● موقعیت طبیعی کشورهای نامطلوب (از لحاظ شکل) ← چک و اسلواکی

● وضع طبیعی مطلوب ← سوئیس، یوگسلاوی

● وضع طبیعی نامطلوب ← لهستان (گودی و پستی)

● نظر دانشمندان جهان درباره عوامل جغرافیایی:

ماهان ← توسعه نیروی دریایی کلیدی برای کسب قدرت جهانی

مکیندر ← مطرح کردن سرزمین قلب و تأکید بر اینکه هرکس بر این سرزمین مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد.

هاسوفر آلمانی ← تأکید بر رسالت تاریخی آلمان

راتزل ← تأثیر عوامل جغرافیایی در زندگی و توسعه دولتها (فضا و محیط)

کیلن ← تأثیر محیط بر انسان از لحاظ فیزیکی، روانی، مردم شناختی، سیاسی و اجتماعی

● تعریف ایدئولوژی: عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی است.

● کارکردهای ایدئولوژی:

۱- تقویت روحیه ملی

۲- بسط و گسترش حوزه مشروعیت نظام سیاسی

۳- عامل وحدت دهنده و یکپارچه کننده

- ارزش → مشروعیت ← قدرت ← اگر این رابطه برقرار باشد می‌گویند اقتدار حاصل شده است.

عوامل اجتماعی - انسانی بعنوان یکی از پارامترهای قدرت:

- میزان جمعیت

ویژگیهای ملی ← تعلیم و تربیت، درجه آگاهی و رشد سیاسی

روحیه ملی ← خصوصیات روانی و خلقی مشترک افراد یک کشور

یکپارچگی اجتماعی ← همگرایی سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک

- عوامل سیاسی:

ثابت سیاسی
 کیفیت رهبری
 شکل حکومت
 اعتبار ملی

● مهمترین عواملی که موجب توسعه قدرت ملی می‌شود: ثبات سیاسی حکومت - توانایی و مهارت مسئولان سیاست خارجی سرعت و

- اندازه‌گیری قدرت ← تهامی عناصر تشکیل دهنده قدرت کمیت‌پذیر نیستند.

تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولتها

- تعریف سیاست خارجی: جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند.

- دیدگاه‌های مختلف در سیاست خارجی دولتها:

۱- تبعیت از سیاست خارجی ویژه، یا جهت‌گیریها و منافع و اهداف آن با روی کار آمدن حزب یا نخبگان جدید دستخوش تغییر می‌شود.

۲- تبعیت از عوامل ثبات بخش چون وضعیت جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک واحد سیاسی

۳- ترکیبی از دو برداشت قبلی یعنی توجه به برخی عوامل تغییرپذیر (حدوث کودتا، انقلاب...) و نیز تغییرناپذیر و ثبات بخش

وظیفه اصلی و اولیه سیاست‌گذاران خارجی ← تعیین سلسله مراتب هدفها و منافع و سپس ارزیابی واکنش سایر دولتها در برابر این اولویتها.

تحولات تکنولوژیک و اقتصادی و سیاسی دو مسئله عمده را پدید آورده است:

۱- بسیاری از نخبگان سیاسی به لحاظ کیفیت ساختاری خود همچنان از الگوهای پیروی می‌کنند که صرفاً در وضعیت گذشته دارای اعتبار بودند.

- عوامل نظامی موثر در افزایش یا کاهش قدرت:

۱- سلاحها و تجهیزات جنگی

۲- کم و کیف افراد نظامی

۳- رهبری

۴- بودجه نظامی

۵- پایگاهها

۶- فنون نظامی

۷- تحریک نیروها

۸- امکانات تدارکاتی ولجستیکی

- عوامل نظامی را نباید بصورت یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار داد، زیرا قدرت نظامی خود تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک، اقتصادی، روانی، ژئوپلیتیکی و غیره قرار می‌گیرد.

- عوامل اقتصادی موثر در قدرت:

۱- تولید ناخالص ملی

۲- درآمد سرانه

۳- کم و کیف تولیدات صنعتی و کشاورزی

۴- دسترسی به منابع

۵- درجه وابستگی یا عدم وابستگی

۶-

- قدرت و هدفهای ملی: قدرت، توانایی حصول به هدف است.

- حوزه اطلاق قدرت ← حوزه اطلاق قدرت به نسبت قابلیتها و تواناییهای یک دولت در نوسان است.

- دینامیزم (پویایی) قدرت ← دسترسی به منابع جدید قدرت می‌تواند در افزایش قدرت ملی واحدهای سیاسی مؤثر افتد.

گیریه‌ها تلقی می‌شود ولی لزوماً به مفهوم تغییر الگوی منافع ملی نخواهد بود.

● انواع هدفهای ملی:

- ۱- مستقل و وابسته
- ۲- کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت
- ۳- ظاهری و واقعی
- ۴- سازگار و ناسازگار
- ۵- متحد و پراکنده
- ۶- حفظ و تغییر وضع موجود

● عنصر قدرت نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در تعقیب هدفهای مستقل و وابسته دارد.

مستقل ← جنبش عدم تعهد و اوپک
وابسته ← کشورهای اروپای شرقی

● عوامل دخیل در تقسیم هدفهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت:

- ۱- زمان
- ۲- تخصیص منابع
- ۳- بکارگیری تکنولوژی
- ۴- حوزه عمل

● در برخی موارد، هدفهای میان مدت برای افزایش اعتبار یک دولت در داخل کشور و محیط بین‌المللی اتخاذ می‌شود.

● اهداف میان مدت ← حمله چین به ثبت در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ (هدفهای سنتی، ایدئولوژیکی با استراتژیکی)

● اهداف بلند مدت:

لنین ۱۹۲۰ ← سوسیالیستی کردن تمام کشورهای سرمایه‌داری
هتیلر ← رایش هزار ساله یا نظم نوین اروپا

۲- نخبگان سیاسی در نظامهای گوناگون از لحاظ اهداف و ابزارهایی که باید بکار گرفته شود دچار اختلاف و دودستگی شده‌اند.

● درسیاست بین‌الملل، معیارهای «مطلوب و نامطلوب بودن» تابعی از تعاریفی است که از منافع ملی بدست داده می‌شود.

● از نظر ایالات متحده آمریکا قبل از گورباچف:
۱- کشورهای مطلوب: یوگسلاوی، مجارستان، لهستان

۲- کشورهای نامطلوب: کوبا، آلمان شرقی، ویتنام

● اولاً: هدفهای ملی همیشه به یک شکل و صورت باقی نمی‌ماند و ثانیاً: واحدهای گوناگون در عرصه سیاست بین‌الملل همزمان اولویتهای متفاوتی را برای خویش قائلند.

● عوملی که باعث تغییر در اولویتهای و دگرگونی سلسله مراتب اهداف ملی می‌شود.

۱- کشمکشهای داخلی میان نخبگان سیاسی
۲- سیاست افزایش مانور دولتها در عرصه سیاست بین‌الملل

۳- رفع نیازهای داخلی

۴- تغییر رفتار دیگر بازیگران

● چه زمانی نظام سیاسی با «بحران تعیین هدفهای ملی» روبرو می‌شود؟ چنانچه دیدگاههای متفاوت نخبگان سیاسی و دستگاههای تصمیم گیرنده در یک نقطه مشترک تلاقی نکند.

● تغییر در اولویتهای اهداف سیاست خارجی، به منزله دگرگونی در استراتژیها و جهت

- ایدئولوژیکی، تکنولوژیکی توسعه طلبانه یا جبران شکستها و ناکامیهای گذشته.
- مثال ← بلشویکها در سال ۱۹۱۷، آلمان، مجارستان بعد از جنگ جهانی اول
- در تعقیب اهداف حفظ وضع موجود دولتها طالب حفظ الگوهای رفتاری و ساختارهای نظام بین‌المللی‌اند.
- منابع ملی با «قدرت» ارتباط مستقیم دارد.
- مفاهیم قدرت و منافع هر دو دارای جنبه‌های ذهنی و انتزاعی نیرومندی هستند که با ارزشها در آمیخته‌اند.
- در بررسی منافع ملی نیز مانند اهداف ملی به سلسله مراتب منافع بر می‌خوریم.
- برای فرانسه در طول تاریخ، مرزهای رودخانه و این از لحاظ حفظ امنیت در مقابل تهاجم آلمان جزء منافع حیاتی تلقی می‌گردید.
- از لحاظ سلسله مراتب منافع ملی، آنچه از نظر دولتها در درجه اول اهمیت قرار دارد، حفظ استقلال و ن تمامیت ارضی آنهاست.
- اینکه چه نوع مسائلی در عداد منافع معمولی یا حیاتی دولتها به شمار می‌رود، بستگی به شرایط و مقتضیات آن دولت و جو بین‌المللی دارد.
- منافع ملی کشورهای اروپای شرقی بین جنگ جهانی اول و دوم ← حفظ یکپارچگی ملی
- منافع ملی بریتانیا:

- عوامل موثر در رسیدن به اهداف بلند مدت:
- ۱- قدرت و توانایی نظام سیاسی برای تجهیز منابع داخلی
- ۲- میزان حاضر بودن مردم به فدا کردن و چشم پوشی از خواستها و نیازهای فوری
- ۳- یا منع و واکنش سایر بازیگران بین‌المللی.
- برای بررسی رفتار واقعی دولتها باید عوامل و متغیرهای گوناگون تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، تکنولوژیک، ایدئولوژیک، نظامی و امنیتی را هم در چارچوب سیستم داخلی و نیز محیط خارجی نظام در نظر گرفت.
- تعیین اولویت اهداف ملی به معنای ناهماهنگی و تعارض و نیز ناسازگاری میان اهداف مزبور نیست.
- ساده‌ترین راه برای از میان بردن ناسازگاری همزمان میان دو یا چند هدف متعارض ← فدا کردن یکی از اهداف (اهداف کوچک) به بهای از دست ندادن هدف یا هدفهای دیگر (حیاتی).
- مثل چین در اوایل دهه ۱۹۷۰ و شوروی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰
- اهداف متحد: روی کار آمدن رهبران جدید در برخی از کشورهای آمریکای لاتین که در چارچوب «دموراسی هدایت شده» آمریکا قابل تفسیر است و نیز درباره اتحاد شوروی در قبال کشورهای اروپای شرقی
- اهداف پراکنده ← چین دهه ۱۹۶۰
- دلایل و انگیزه‌های گوناگون دولتها برای در پیش گرفتن اهداف تجدید نظرطلبانه:

درصد کسب مناطق نفوذی برای خود باشد.
← جنگ سرد

● داده‌های سیاست خارجی دولتها به عوامل مختلفی بستگی دارد:

۱- نیازهای داخلی (اعم از اقتصادی، اجتماعی و...)

۲- موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک

۳- ساختار نظام بین‌المللی (دوقطبی انعطاف‌پذیر و...)

۴- روابط قدرتهای بزرگ با یکدیگر (وضعیت جنگ سرد یا...)

۵- میزان فشارها و تهدیدات بین‌المللی

● الگوهای بررسی سیاست خارجی:

۱- مدل استراتژیک (منطقی)

۲- مدل تصمیم‌گیری

۳- مدل بوروکراتیک

۴- مدل تطابق و سازواری

۵- مدل قرائنده

۶- مدل سیستمی

● در مدل استراتژیک تأکید پژوهندگان بر رفتار و عملکرد آن دسته از نهادهای حکومت است که در اداره امور سیاست خارجی مسئولیت مستقیم دارند. ← غالباً مورد استفاده مورخان دیپلماسی قرار گرفته.

● در مدل تصمیم‌گیری بر جنبه انسانی (روانشناختی) در فرایند سیاستگذاری خارجی تأکید می‌شود.

در اغلب موارد حفظ امپراطوری در آن سوی دریاهای

بعد از بمباران نازی‌ها حفظ تمامیت ارضی

● منافع ملی شوروی: استالین تقویت بینه اقتصادی و نیروهای نظامی

● تروشگی استقرار نظامهای سوسیالیستی در خارج از مرزهای شوروی

● محدوده منافع ملی را قدرت و عناصر تشکیل دهنده آن تعیین می‌کند.

● منافع ملی دارای بار ارزشی است.

● چهارچوبهای تجزیه و تحلیل روابط میان واحدهای سیاسی براساس منافع ملی:

۱- همکاری

۲- رقابت

۳- ستیزش

● انواع منافع ملی:

۱- منافع موازی: منجر به بروز تعارض میان دولتهای ذی‌نفع نمی‌شود ← تنش زدایی

۲- منافع متعارض: اهداف متعارض هریک از طرفین به مقوله بی‌توجهی به خواستههای دیگری تلقی می‌شود.

۳- منافع مشترک: به تنهایی توسط یک دولت تأمین نمی‌شود، و تحقق آنها صرفاً از طریق همکاری و برقراری اتحادها با سایر واحدهای سیاسی امکانپذیر است. ← همکاریها

۴- منافع اختلاف‌زا: در مقایسه با منافع متعارض از عمق کمتری برخوردارند و معمولاً در حالتی ظاهر می‌شوند که هریک از دولتها

۲- توانایی در تجزیه و تحلیل نقشهای ملی و ارائه تصویری از آینده

۳- ایدئولوژی تنها یک راه را از میان راههای گوناگون برای اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی خاص توجیه و تبیین می‌کند.

۴- ایدئولوژی نوعی نظام اخلاقی می‌دهد که می‌توان داده‌های درست و نادرست را از یکدیگر تمییز داد.

• هر اندازه نظام اعتقادی جامعه، جامعتر باشد، سیاست خارجی از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود.

• قدرت و عناصر تشکیل دهنده آن در کم و کیف داده‌های سیاست خارجی و در جهت گیریها، تعیین هدفها و حوزه منافع ملی دارای نقش مؤثری است.

• استراتژیها و جهت‌گیریهای سیاست خارجی دولتها:

۱- بی‌طرفی

۲- اترواطلبی

۳- اتحاد و ائتلاف

۴- عدم تعهد

• تعریف استراتژی بی‌طرفی: دولت بی‌طرف دولتی است که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن بر اساس یک توافق دسته جمعی توسط قدرتهای بزرگ تضمین شده باشد مشروط بر اینکه دولت مزبور از نیروی نظامی خود، مگر در حالتی که جنبه تدافعی داشته باشد علیه دیگران استفاده نکند.

• در مدل رفتارهای بورکراتیک در چهارچوب مسئولیتها و اقتدار و مقررات و ضوابط اداری مورد نظر است.

• در مدل تطابق و سازواری، پژوهشگران، رفتار سیاست خارجی دولتها را از لحاظ کیفیت واکنش دولتها نسبت به محدودیتها، موانع یا فرصتهایی که محیط بین‌المللی برای آنها پدید آورده است مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

• در مدل فزاینده در پی یافتن بهترین راه منطقی برای تأمین منافع و تحقق خواستها و هدفهای ملی نیستند بلکه با اتخاذ تصمیماتی که بیشتر عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری با آن موافقت، بسنده می‌کنند.

• در مدل سیستمی تأثیرات متقابل نهادها و افراد در روند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

• عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی:

۱- ارزشها و اعتقادات

۲- زمینه‌های تاریخی و فرهنگی

۳- تصویر کلی از سیاست بین‌الملل

۴- برداشتها

۵- مشکلات داخلی و افکار عمومی

۶- نیازهای داخلی

۷- ساختار نظام بین‌الملل

• نحوه ارتباط ایدئولوژی به هدفها و کنشهای سیاسی:

۱- بوجود آوردن یک چارچوب ذهنی برای سیاستگذاران بمنظور درک واقعیتها

ملل متحد برای منع از تجاوز و جنگ و ...
بی طرفی امری زاید است.

۲- عدم شناسایی بی طرفی کشورهای سوئیس،
لوگزامبورگ و بلژیک

۳- شناسایی بی طرفی اتریش بدون ضمانت

۴- شناسایی بی طرفی لائوس با ضمانت

● دلایل آمریکا به عدم تمایل به اتخاذ
استراتژی بی طرفی از سوی دولتهای مختلف
بعد از جنگ جهانی دوم:

۱- بی طرفی موازنه قدرت را به سود شوروی
تغییر می داد.

۲- بی طرفی باعث خارج شدن کشورهایی از
حوزه نفوذ آمریکا می شد که یک سلسله
قراردادهای امنیت دسته جمعی اعم از دو
جانبه یا چند جانبه - با آمریکا بسته بودند.

۳- بی طرفی بعنوان ابزاری برای برقراری صلح و
عدم توسل به زور، امری زاید تلقی می شود.

● انواع بی طرفی:

۱- بی طرفی حقوقی: ناشی از قراردادی است که
به سبب آن حقوق و تکالیفی به کشور
بی طرف واگذار می شود

۲- بی طرفی سنتی: بمنظور برکنار ماندن از
مخاصمات میان دولتهای دیگر اختیار
می کنند و قدرتهای بزرگ نیز در طول تاریخ
استقلال و حاکمیت آن را تضمین کرده اند.

۳- بی طرفی موقت: معمولاً در دوران جنگ
بمنظور جلوگیری از گسترش آن به
کشورهای همجوار اتخاذ می شود.

● دولت بی طرف نباید به اتحادیه های نظامی
بپیوندند و نیز پایگاههای نظامی در اختیار
دیگران قرار دهد.

● وضعیت بی طرفی معمولاً در مورد سه نوع
منطقه قابل اطلاق است:

۱- مناطقی که حکومتهای آنها از طرف سایر
دولتها به رسمیت شناخته شده باشند ←
مثل سوئیس، اتریش، لائوس.

۲- مناطقی که خالی از سکنه باشند (رودخانه ها،
آبراهها)

۳- مناطقی که حکومتهایشان در مجامع
بین المللی به رسمیت شناخته نشده باشند
(کشمیر)

● ضمانت مشترک: مسئولیت های دولتهای
ضمانت کننده بی طرفی در قبال دولت
بی طرف در صورت تجاوز به آن

● نگاه غرب به بی طرفی ← ابزاری برای حفظ
سیاست وضع موجود و نیز ابزاری جهت
اعمال قدرت در کشورها

● نگاه شوروی به بی طرفی ← ابزاری برای
تغییر و دگرگونی نظام موازنه قوا (مخالفت با
بی طرفی کشورهایی که در بلوک شوروی قرار
داشتند و استقبال از بی طرفی کشورهایی که
احتمال داشت به اردوگاه غرب بپیوندند و یا
در این اردوگاه باشند)

● نگاه آمریکا به بی طرفی ←

۱- قبول بی طرفی مانعی عمده در برقراری
امنیت دسته جمعی بود چون با وجود منشور

- ۳- احمد سوکارنو رئیس جمهور اندونزی
- ۴- مارشال تیتو رئیس جمهور یوگسلاوی
- کنفرانس باندونگ اندونزی در سال ۱۹۵۵
- مقدمه‌ای برای شکل‌گیری نهضت عدم تعهد بود که در آن ۲۹ کشور با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و صدوپنجاه میلیون تور شرکت داشتند.
- جبهه‌های مختلف در کنفرانس باندونگ
- ۱- طرفدار استعمارزدایی ← پیروی از هند و اندونز
- نهایتاً ← مخالفت با استعمار و استثمار
- ۲- مخالفت با کمونیسم ← پاکستان، سیلان، ترکیه و عراق
- اصول عدم تعهد:
- ۱- احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها
- ۲- کاهش تنش‌جات و تضادهای موجود در روابط بین‌المللی ناشی از تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب
- ۳- مخالفت با شرکت در اتحادیه‌های نظامی
- ۴- پشتیبانی از منشور ملل متحد و نیز اصول مسلم حقوق بین‌الملل
- ۵- خودمختاری تمام مدل جهان و آزادی تمام سرزمینهای تحت استعمار
- ۶- همکاری مثبت بین‌المللی
- ۷- حل مسالمت آمیز اختلافها
- ۸- مبارزه با نژادپرستی، استعمار و امپریالیسم در تمامی اشکال آن
- ۹- لزوم خلع سلاح از طریق نظارت‌های بین‌المللی
- ۱۰- عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها
- ۴- بی‌طرفی پایدار (دائمی): چارچوب کلی سیاست خارجی برای مدت زمان طولانی (مثل سوئیس)
- ۵- بی‌طرفی مثبت: بیشتر جنبه اخلاقی دارد.
- ۶- بی‌طرفی منفی: در نقطه مقابل بی‌طرفی مثبت قرار دارد.
- بی‌طرفی مثبت عبارت است از سیاستی که یک دولت بمنظور پرهیز از ورود به جنگ و اتحادیه‌های نظامی اتخاذ می‌کند و در عین حال کوشش لازم را در جهت محدود سازی جنگ و جلوگیری از ورود سایر دولت‌ها به صحنه درگیریه‌ها بعمل می‌آورد.
 - تفاوت بین منطقه بی‌طرف و استراتژی بی‌طرفی:
 - منطقه بی‌طرف، سرزمین معین یا بخشی از یک دولت است که غیر نظامی اعلام شده است. حال آنکه استراتژی بی‌طرفی خط مش کلی سیاست خارجی یک دولت تلقی می‌گردد و بناچار بمعنای غیر نظامی بودن آن نیست.
 - استراتژی عدم تعهد: از بین بردن بلوک‌بندیها (شرق و غرب) و در پیش گرفتن راه مستقل و واقع بینانه که متضمن استقلال کشورهای عضو باشد.
 - گاهی از جنبش عدم تعهد بعنوان «بی‌طرفی مثبت» یاد می‌شود
- رهبران اولیه جنبش عدم تعهد:
- ۱- جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر هندوستان
- ۲- جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر

۱- توانایی‌های نظامی و دیپلماتیک خود را به سود یا ضرر منافع سایر دولتها تجهیز نمی‌کنند.

۲- خودداری از پیوستن به اتحادیه‌های نظامی
۳- عدم بستن قراردادهای دوجانبه نظامی با قدرتهای بزرگ

۴- دوری جستن از اعطای پایگاه‌های نظامی
● تمایزات عدم تعهد و بی‌طرفی:

۱- در تعیین استراتژی بی‌طرفی، قدرتهای بزرگ خارجی دخالت دارند و دولت بی‌طرف نمی‌تواند سیاستهایی را برگزیند که با منافع و مصالح قدرتهای بزرگ منافات داشته باشد اما استراتژی عدم تعهد براساس منافع و صلاحدید خود دولتها اتخاذ می‌شود.

۲- موضوع عدم مداخله در تصمیم‌های بین‌المللی

۳- شناسایی یک دولت جدید در عرصه بین‌المللی

۴- از لحاظ عضویت در سازمان ملل متحد
۵- عدم تعهد ← خواستار سیاستی تجدید نظر طلبانه بی‌طرفی ← وضع موجود

۶- عدم تعهد ← عمل کردن در جهت موازنه منحنی قدرت در منطقه ولی بی‌طرفی ← سبب برقراری موازنه قدرت

● استراتژی انزوطلبی:

ژاپن ← تا اواخر قرن ۱۹ آمریکا ← تا جنگ جهانی دوم

چین ← بین ۱۹۶۵ - ۱۹۶۹ (به نوعی دوگانگی در سیاست خارجی دچار شده بود)
آلمانی ← در چهار دهه گذشته

۱۱- ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انتوناسیونالیسم

۱۲- مبارزه با تویعه نیافتگی

۱۳- سیاست ناپیوستگی

● در دوران جنگ زمانی اتخاذ استراتژی عدم تعهد فزین موفقیت است که مناطق غیر متعهد از لحاظ استراتژیک برای بلوکها یا دولتهای متخاصم از ارزش حیاتی کتوی برخوردار باشد.

● کنفرانس‌های مختلف جنبش عدم تعهد: (در طول عمر ۳۷ ساله خود)

۱ بلغراد؛ ۱۹۶۱

۲ قاهره؛ ۱۹۶۴

۳- لوزاکا؛ ۱۹۷۰

۴ الجزیره؛ ۱۹۷۳

۵ کلمپو؛ ۱۹۷۶

۶- هاوانا؛ ۱۹۷۹

۷- دهلی‌نو؛ ۱۹۸۳

۸ هوره؛ ۱۹۸۶

۹- بلغواد؛ ۱۹۸۹

۱۰- اکوا؛ ۱۹۹۱

● عوامل ناکامیهای جنبش عدم تعهد:

۱- وجود گروهبندی‌های داخلی

۲- ترکیب ناهمگون اعضا

۳- ناسیونالیسم

۴- نبودن ضمانت اجرا

۵- نفوذ قدرتهای بزرگ

● اشتراکات استراتژی‌های بی‌طرفی و عدم تعهد:

۵- عقیم

● اتحادهای طبیعی ← در حالی بوجود می‌آیند که دو یا چند دولت در یک منطقه خاص دارای منافع مشترکی باشند؛ ولی بعزت آنکه خواستها و منافع یکی از طریق دیگری تأمین می‌شود، آن دولت ضرورتی نمی‌بیند که خود را از لحاظ نظامی و اقتصادی رسماً به دیگری متعهد سازد ← مثل اتحاد اتریش و بریتانیا بر سر بالکان در قرن ۱۹

● نمونه اتحادهای حفظ وضع موجود: اتحاد روسیه، اتریش، بریتانیا و پروس بعد از سال ۱۸۱۵ بر علیه فرانسه

● نمونه اتحادهای تجدید نظرطلبانه: قرار داد فولاد بین آلمان و ایتالیا در ۱۹۳۹ - یا روسیه بعد از جنگ کریمه

● اتحادهای دو منظوری ← اتحاد بین دو دولت حفظ وضع موجود و تجدید نظرطلبانه ← آلمان و ایتالیا اواخر قرن ۱۹

● نمونه اتحادهای عقیم: بین سالهای ۱۸۹۸ و ۱۹۰۱ انگلستان و آلمان - در سال ۱۹۳۹ انگلستان، فرانسه و شوروی

● عوامل موثر در از میان رفتن اتحادها و تعهدات:

۱- عملی شدن هدفهای اتحاد ← اتحاد بین متفقین در خلال جنگ جهانی دوم

۲- عملی نشدن هدفهای اتحاد ← مصر و سوریه در ۱۹۵۸ - فرانسه و چک و اسلواکی ۱۹۳۸

● تعریف استراتژی انزوطلبی: برآن است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد.

● دولتی که از استراتژی انزوطلبی پیروی می‌کند، اصولاً موافق حفظ وضع موجود است و حوزه اطلاق منافع آن محدود است.

● دولتی که جهت‌گیری انزوطلبی را برمی‌گزیند، معمولاً مسائل فرهنگی و رفاه اقتصادی را در سرلوحه اهداف ملی خود قرار می‌دهد.

● دلایل موفقیت نسبی اتخاذ استراتژی انزوطلبی در گذشته نسبت در حال حاضر: ← بخاطر وجود ویژگیهای زیر در گذشته:

۱- محدود بودن روابط بین‌المللی

۲- خودبستگی دولتها

۳- موفقیت خاص ژئوپلیتیک

۴- میزان اندک وابستگی‌ها و همبستگی‌های متقابل میان واحدهای سیاسی

● استراتژی اتحاد و تعهد:

دلایل عمده متعهد شدن واحدهای سیاسی به یکدیگر: افزایش نفوذ دیپلماتیک - ایجاد بازدارندگی - حفظ امنیت و تحقق هدفها و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌ها بویژه توانایی‌های اقتصادی و نظامی

● انواع اتحادها:

۱- طبیعی

۲- حفظ وضع موجود

۳- تجدید نظرطلبانه

۴- دو منظوری

نسبتاً محدود است و از الگوهای وابستگی که سبب آسیب‌پذیری بیشتر می‌شوند احتراز می‌گردد.

- در جهت‌گیریهای وابستگی، تصمیم‌ها، هدفها و اعمال از خارج هدایت می‌شوند، سطح مبادلات بالاست.

- درجهت‌گیری تنوع مبادلات و روابط بدون وابستگی، تماسها در سطح وسیع و پراکنده‌ای بدون اتکا به دولت خاصی ادامه می‌یابد.

- در پایان دهه ۱۹۷۰، چین وارد مرحله نوی از سیاست خارجی خود شد و به تنها آلترناتیو موجود، یعنی ایجاد توازن میان مسکو و واشنگتن، متوسل گردید.

- انواع دوره‌های سیاست خارجی چین:

- ۱- مرحله تغییر استراتژی از وابستگی تا اتکای به خود (۱۹۵۷ - ۱۹۶۱)

علت قطع رابطه چین با شوروی در اواخر دهه ۱۹۵۰ ← خودداری مسکو برای کمک به برنامه ۵ ساله چین و انتقاد شوروی از سیاست جهش بزرگ به پیش.

- ۲- دوران تغییر استراتژی اتکای به خود به انزو و طلبی (۱۹۶۵ - ۱۹۶۹)

- ۳- تغییر استراتژی از انزو و طلبی به تنوع جهت‌گیری و وابستگی نسبی (۱۹۷۰ - ۱۹۸۰)

- در دهه ۱۹۷۰، استراتژی جدید سیاست خارجی چین پیرامون سه محور دور می‌زد:

- ۳- اختلاف میان متعاهدین ← چین و شوروی
اوایل دهه ۱۹۵۰

- ۴- برگشتن از هدفهای اتحاد ← اتحاد چهارگانه
سال ۱۸۱۴

- ۵- روی کار آمدن نخبگان جدید ← انقلاب ایران در ۱۳۵۷ ه. ش کودتای ۱۹۵۸ عراق - برکناری بسیمارک ۱۸۹۰

- ۶- عملی شدن هدفهای یکی از متعاهدین ← پیمان عدم تعرض آلمان و شوروی در سال ۱۹۳۹

- ۷- عملی نشدن هدفهای یکی از متعاهدین ← سازمان سیتو در ۱۹۵۴

- متغیرهای مستقل تجدید نظر در الگوی سیاست خارجی:

- ۱- عوامل خارجی

- ۲- عوامل داخلی

- ۳- عوامل تاریخی - فرهنگی

- متغیرهای وابسته تجدیدنظر در الگوی سیاست خارجی: ۱- تجدید ساختار رفتاری در محیط خارجی ۲- واکنش نسبت به نفوذ بیگانگان

- متغیرهای میانگین :

- ۱- کیفیت درک سیاستگذاران از هدفها و منافع ملی

- ۲- فرایند سیاستگذاری

- ۳- عوامل شخصیتی

- ۴- برداشت کلی نخبگان سیاسی نسبت به بازیگران خارجی

- در سیاست خارجی اتکای به خود، مبادلات تجاری، فرهنگی و دیپلماتیک، گوناگون ولی

- ۶- دانشمندان و متخصصان
- ۷- سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی
- قوه مجریه از قدیمترین دستگاههای سیاستگذاری خارجی محسوب می‌شود.
- اختلاف میان سیاستمداران و متخصصان سیاسی:
- سیاستمداران ← تأکید بر مسائل حاد سیاسی و اهداف کوتاه مدت
- مشاوران متخصص ← توجه به استراتژی‌های بلند مدت
- نحوه تشکیل گروههای ذی‌نفوذ: گروههایی از مردم براساس یک سلسله منافع و علایق مشترک به یکدیگر پیوند داده می‌شوند که این امر به ایجاد یک گروه ذی‌نفوذ منجر می‌شود.
- هراندازه نظامهای سیاسی از خصیصه پلورالیستی بیشتری برخوردار باشد به همان نسبت بر تعداد نقش گروههای ذی‌نفوذ افزوده می‌شود.
- تفاوت گروههای ذی‌نفوذ با احزاب سیاسی : گ.ذن. ← نبود تشکیلات رسمی و مرامنامه خاص
- ا.س. ← دارای سازمانها و برنامه‌های رسمی و مشخص
- نقش نهادهای نظامی در سیاستگذاری خارجی: نقش زیاد نظامیان نقش کم نظامیان و بعیت آنها از سیاست ← کلمانسو، بیسمارک، ناپلئون سوم، اتلی (نخست وزیر بریتانیا)
- ۱- حمایت از هدفهای داخلی که بطور عمده ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی را در دوره جانشینی مائو در بر می‌گرفت
- ۲- رسیدن به سطحی مطلوب از لحاظ امنیت برای جلوگیری از تهاجم شوروی
- ۳- تقویت قدرت و نفوذ چین در صحنه سیاست بین‌الملل
- تکنیکها و ابزارهای سیاست خارجی:
- ۱- دیپلماسی
- ۲- اقتصاد
- ۳- فرهنگی - تبلیغاتی
- ۴- نظامی
- دیپلماسی: فن اداره سیاست خارجه و یا تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت آمیز.
- عمده‌ترین جنگهای گمرکی در اواخر قرن ۱۹ میان آلمان و روسیه، فرانسه و ایتالیا و نیز اتریش و صربستان در جریان بود.
- در فرایند استفاده از حربه فرهنگی و تبلیغاتی، معمولاً ملتها مورد خطاب واقع می‌شوند.
- نهادها و دستگاههای تنظیم کننده سیاست خارجی:
- ۱- قوه مجریه
- ۲- قوه مقننه
- ۳- گروههای ذی‌نفوذ و احزاب سیاسی
- ۴- افکار عمومی
- ۵- نهادهای نظامی

- معیارهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی:
 - معیار عمده منافع ملی دولتهاست که در این مورد باید دور از علایق فردی و گروهی مبادرت به سیاستگذاری کرد.
 - در اغلب موارد، چنین استنباط می‌شود که اهداف سیاسی بر مبنای منافع ملی در چارچوب قدرت تعیین می‌گردد.
 - عواملی که باعث دشواری ارزیابی نیت دولتها و تفکیک میان اهداف و منافع فردی، گروهی و ملی می‌شود:
 - کتمان هدفها، توسل به ایدئولوژی و پیچیدگیهای اعتقادی و روانی رهبران
- همگرایی و تعارض در سیاست بین‌المللی**
- انواع دیدگاه‌ها در مورد تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل:
 - ۱- همگرایی و همکاری در روابط بین‌الملل ← مکتب ایده‌آلیسم یا همان ارمانگرایی (نظریات کانت)
 - ۲- واگرایی و ستیزش در روابط بین‌الملل ← رئالیست‌ها (واقع‌گرایان) هابز و ماکیاولی
 - ۳- ترکیبی از دو وضعیت همکاری و تضاد ← افکار گروسیوس
 - همگرایی: عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی بصورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدفهای مشترک صرفنظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند.
- نظریات مهم درباره همگرایی:
 - ۱- کارکردگرایان
 - ۲- کارکردگرایان جدید
 - ۳- فدرالیستها
 - ۴- نظریه مبادله
 - نظریه کارکردگرایان: این گروه بر این عقیده‌اند که واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی در چهارچوب بسته خود نیستند، زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد و همین امر، همکاریهای گسترده‌ای میان دولتهای ملی ایجاب می‌کند.
 - کارکردگرایان جدید:
 - ۱- تأکید بر سیستم پلورالیستی (کثرات‌گرا)
 - ۲- بکارگیری اسلوبهای چانه‌زدن میان نخبگان سیاسی و نیز استراتژی آنها در روند همگرایی
 - ۳- همگرایی داروندی می‌دانند که براساس آن نخبگان سیاسی بتدریج تعریفهای جدیدی از مسائل منطقه‌ای (نه ملی) ارائه می‌دهند.
 - ۴- میان مسائل قدرت و امور رفاهی جدائی قائل نمی‌شوند.
 - ۵- تأکید بر سازمانهای منطقه‌ای
 - فدرالیستها:
 - ۱- تأکید بیش از حد برانتراناسیونالیسم
 - ۲- این گروه اتحاد و وحدت میان دولتها را براساس وجود یک نوع قانون اساسی که در آن دولتهای شرکت کننده ملزم ومتعهد به اجرای مفاد آن هستند، در چهارچوب یک واحد فوق ملی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

۲- هدف اصلی مدیریت بحران کسب موفقیت به هنگام روبرو شدن با مسأله است (رسیدن به اهداف ملی)

۳- مدیریت بحران ایجاد تعادل بین دو وضعیت تعارض و همکاری است.

● نمونه آثار دیپلماتیک و سیاسی بحران:

● بحران ۱۹۵۶ کانال سوئز ← باعث تقویت جنبشهای استقلال طلبانه در جهان سوم شد.

● بحران موشکی کوبا ۱۹۶۲: (آغاز عصر تنش‌زدایی در سیاست بین‌المللی - انعقاد پیمان منع آزمایشهای هسته‌ای در اوت ۱۹۶۳ - امضای پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در ۱۹۶۸)

● اقدامات برای برطرف کردن بحران:

۱- مذاکره ← بحران برلین ۱۹۴۹

۲- حل آن توسط قدرتهای بزرگ

۳- حل بحران بدون انجام توافق یا دگرگونی عمده در منطقه وقوع بحران ← ماتسوکاموی ۱۹۵۸

۴- تشدید بحران و جنگ منطقه‌ای یا جهانی

● مهمترین راههای حل و فصل اختلافات بین‌المللی:

۱- مذاکره و دیپلماتیک ← توسط طرفین دعوا، اختلافات اهمیت چندانی نداشته باشد.

۲- پامردی (مساعی جمیله) ← وساطت یک یا چند دولت، دخالت کمتر در حل مسئله

۳- میانجیگری ← دخالت دولت ثالث بصورت زیاد و نیز رسمی و علنی بودن مذاکرات

۴- کمیسیون آشتی بین‌المللی ← پیش‌بینی اختلاف قبل از بروز اختلاف

۵- سازش ← از طریق یک کمیسیون

بین‌المللی، دولت ثالث بی‌طرفانه به بررسی

۳- تأکید بر ایجاد ایالات متحده اروپا بعنوان نقش موازنه دهنده در روابط شرق و غرب (بعد از جنگ جهانی دوم)

● نظریه مبادله:

۱- تأکید این گروه بر میزان و کیفیت مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان واحدهای گوناگون

۲- تأکید بر اینکه هر اندازه میزان و حجم مبادلات افزایش یابد، به همان نسبت بر درجه همگرایی میان واحدهای سیاسی افزوده می‌شود.

● وضعیت مطلوب، نقطه‌ای است که در آن میان پاسخگویی متقابل و مبادلات، نوعی توازن و هماهنگی بوجود می‌آید.

● از لحاظ سطح تحلیل تعارض (واگرایی) چند نوع متغیر دخیل هستند:

۱- عوامل انسانی و روانی (فرد)

۲- گروههای اجتماعی (داخلی)

۳- واحدهای سیاسی (دولتها)

۴- گروههای اجتماعی بین‌المللی

۵- نظام بین‌المللی

● علل تعارض و اختلافات در سیاست بین‌الملل:

۱- تعارض بر سر منافع ملی (پرکردن خلاء قدرت - تجدید نظر طلبی - مناقضه برای تفوق و برتری)

۲- تعارضات ایدئولوژیک (جنگهای ۱۷۹۲ - ۱۸۱۵ (ایدئولوژی انقلاب و رژیمهای سنتی) - جنگ جهانی دوم (لیبرالیسم، نازیسم، کمونیسم))

۳- رقابت‌های اقتصادی

● مدیریت بحرانهای بین‌المللی:

۱- هدف اصلی و عمده پرهیز از جنگ است.

- توانایی تنظیمی ← برخورداری نظام از اقتدار لازم برای کنترل رفتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد و گروههای گوناگون در جامعه، در این روند مرزهای اقتدار و اعمال قدرت دولت و فرد باید مشخص شود.
- توانایی توزیعی ← توزیع اقتدار آمیز ارزشها، منازعات، فرصتها، کالا، خدمات و قدرت در بین سطوح گوناگون جامعه.
- تفاوتهای عمده کثرت‌گرایی اجتماعی و فرهنگی:

کثرت‌گرایی فرهنگی	کثرت‌گرایی اجتماعی	بازیگران سیاسی
اندک	متعدد	تعدد گروههایی که به آن تعلق دارد
بالا	پائین	وابستگی به گروهها
تقویت کننده	همپوشی	عضویت در گروهها
اندک : همگن	متعدد متنوع	تعداد گروهها
طبیعی و ذاتی	داوطلبانه	نوع گروهها
نژادی، قومی، کاستی، مذهبی منطقه‌ای	مدنی	پیوندهایی که باعث یکپارچگی گروه می‌شود

توانایی‌های نمادین و اعتقادی ← براساس ارتباط دادن تصمیمات و استراتژی‌های آن نظام به ارزشهای حاکم بر جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اختلاف و راه‌حلهایی برای پایان دادن به اختلاف

۶- کمیسیون تحقیق بین‌المللی ← اولین بار توسط پیشنهاد روسیه در کنفرانس لاهه ۱۸۹۹ - براساس یک توافق خاص طرفین، کمیسیونی مرکب از ملتهای بی‌طرف را مأمور می‌کنند. دولتهای متخاصم الزامی به قبول نظریه‌های کمیسیون ندارند.

۷- سازمان ملل متحد

۸- داوری بین‌المللی ← همان حکمیت ← داورانی که خود انتخاب می‌کنند.

۹- دادرسی بین‌المللی ← انتخاب قضات، تشکیل دادگاه و نیز شیوه رسیدگی به دعوی از اختیارات طرفین مخاصمه خارج است.

● افلاطون معتقد بود که خیر عامه (منافع ملی) تنها بوسیله گروهی دانشمند آگاه و قدرتمند تأمین می‌شود.

● از نظر ارسطو، خیر عامه به بهترین وجه از سوی اکثریت مردم (از طریق نمایندگان نشان) تأمین می‌شود و تصمیمات مربوط به منافع جمعی، تلفیق یا سنتزی از منافع متعارض بشمار می‌رود.

● توانایی و قابلیت‌های نظام سیاسی در فرایند سیاستگذاری خارجی:

۱- توانایی استخراجی

۲- توانایی تنظیمی

۳- توانایی توزیعی

۴- تواناییهای نمادین و اعتقادی

● توانایی استخراجی ← ظرفیت آن نظام در تجهیز منابع عادی و معنوی محیط داخلی و بین‌المللی برای پاسخگویی بیشتر به نیازهای واقعی مردم، یعنی تأمین منافع ملی.

- فرهنگ: مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اختلافیات، اعتقادات و ارزشهایی که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منقل می‌شود.
- مختصات ارزش‌ها:
 - ۱- بسیار کلی و انتزاعی‌اند
 - ۲- حالت عینی و ملموس ندارند بلکه دارای جنبه مفهومی‌اند
 - ۳- کیفیت اخلاقی ارزش‌ها، رفتارها را هدایت می‌کند
 - ۴- ارزش‌ها از ثبات نسبی برخوردارند
- مشروعیت: از پیوند ایدئولوژی و قدرت حاصل می‌شود
- مواردی که مشروعیت نظامه سیاسی را افزایش می‌دهند:
 - ۱- توسعه و گسترش مشارکت واقعی مردم
 - ۲- قابلیت نظام در ارتباط دادن ارزش‌ها به عملکردهای اداری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
 - ۳- قابلیت نظام در مرتبط ساختن سنتها به اقتدار
 - ۴- قابلیت نظام در تجهیز و مشارکت
 - ۵- حکومت قانون
 - ۶- توانایی نظام سیاسی در جلوگیری از انباشت قدرت و توزیع منطقی اقتدار
- فرهنگ سیاسی: عبارت است از انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی
- در نظام‌های تجهیززی، نخبگان سیاسی برای کسب پشتیبانی و حمایت از برنامه‌ها و استراتژیهای ملی به سیاسی کردن جامعه مبادرت می‌ورزند.
- انواع فرهنگ‌های سیاسی: - محدود منفعل (تبعی) فعال (مشارکتی)
- فرهنگ سیاسی محدود: جهت‌گیریهای افراد نسبت به نهادها و ساختارهای سیاسی فوق‌العاده ضعیف است - علایق و تعهدات مشترک وجود ندارد و وفاداریهای قومی و محلی بر وفاداریهای ملی مرجع است.
- فرهنگ سیاسی منفعل (تبعی) ← شهروندان از نظام سیاسی و داده‌های آن کم و بیش اطلاع دارند ولی بعلت توسعه نیافتگی نهادهای بیان و تجمع خواستها، قادر به تأثیرگذاری در فرایند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری نیست.
- فرهنگ سیاسی مشارکتی یا فعال: مردم بطور نسبی در نهادهای و نیز داده‌ها نقش دارند و نسبت به انواع رفتارهای سیاسی نخبگان حساس‌اند.
- تقسیم‌بندی ماکس وبر از اقتدار: اقتدار سنتی - اقتدار منطقی - عقلانی - اقتدار کاریزمایی
- انواع دیگر فرهنگ سیاسی: محدود - تبعی - مشارکتی - محدود - مشارکتی - جامعه مدنی

تحول در اندیشه‌ها و تفکرات روابط بین‌الملل:

● رئالیسم از تاریخ دیپلماسی قرن نوزدهم اروپا سرچشمه می‌گیرد. از نظر بسیاری از رئالیست‌ها سیاست بین‌الملل درام بزرگ است.

● هابز، مارکس، سورل و مارکیستهای معاصر ← تأکید بر تعارض طبیعی میان افراد و طبقات در درون دولت.

● لاک، روسو، دورکیم، پارسونز نیز بفتهام و کانت ← با وجود تعارضات می‌توان جامعه‌ای هماهنگ و متوازن تأسیس کرد.

● دولت:

۱- در بررسی‌های اولیه ← افراد (بوژه رهبران) معرف دولتها بودند یعنی افراد در داخل کشور

۲- در قرن نوزدهم ← کشورها

۳- جامعه جهانی ← افراد و گروهها در ورای مرزهای ملی

قبض و بسط مفاهیم روابط بین‌المللی در جهان متغیر:

● تعدد بازیگران، تنوع آنها و نیز میزان وابستگی متقابل میان ساختارها، برپیچیدگی روابط بین‌الملل می‌افزاید.

● تعاریف جدیدی که از مفاهیم و مصادیق روابط بین‌الملل ارایه می‌شود، چنانچه در شرایط وابستگی متقابل به صورت هنجارهای عام و همگانی در سطوح کلان مطرح گردند،

اجزا را به تبعیت از الگوهای رفتاری نوین و می‌دارد.

● در سطح کلان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل مفاهیم و مصادیق را براساس جهانبینی و شیوه نگرش خود تعبیر و تفسیر می‌کنند.

● عوامل تأثیرگذار در میزان تسری تحول یک مفهوم به سایر مفاهیم و مصادقهای آن:

۱- ویژگیهای ساختاری نظام بین‌المللی

۲- کم و کیف روابط جزء و کل

۳- روابط میان اجزا با هم

۴- پیوند سطوح خرد و کلان

۵- موقعیت بازیگران اصلی و فرعی

۶- فضای حاکم بر نظام بین‌المللی

● نمونه‌ای از واژه‌هایی که تغییر و تحول مفهومی داشته‌اند:

۱- واژه پرده آهنین ← مفهوم خود را از دست داده

۲- حاکمیت محدود ← قبلاً در سطح خرد و دولت مطرح بود ولی الان در سطح جهانی مطرح است.

۳- واژه همکاری ← بسط و گسترش یافته

● شاید بتوان یکی از دلایل عمده و انگیزه‌های اصلی برای جهانی و همگانی ساختن مفاهیم و مصادیق را در چهارچوب حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق تجارت و حقوق جزا، از میان بردن شکاف مفهومی میان مقولات داخلی و بین‌المللی تصور کرد.